

کار و سرمایه: دو خط متنافر

دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و برنامه چهارم در خصوص رشد بهره‌وری کار و سرمایه، ناممکن به نظر می‌رسد.

بهره‌وری سرمایه

متوسط نیروی کار استفاده شده به ازای هر واحد سرمایه، یکی از عوامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه می‌باشد. به علاوه، هر قدر تکنیک تولید کار برتر باشد، سهم کار در سرمایه بزرگتر بوده و بهره‌وری سرمایه بیشتر خواهد شد. دومین عامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه، ظرفیت سرمایه انسانی استفاده شده به ازای هر واحد سرمایه است. نیروی انسانی متخصص، به دلیل برخورداری از دانش علمی، فنی و تخصصی می‌تواند از ماشین‌آلات و تجهیزات، استفاده بهتری به عمل آورد. به موازات، پیشرفت فنی باعث می‌شود ماشین‌آلات و تجهیزات جدیدتر که کارایی بیشتری دارند، تولید شوند. نگاه‌ها نیز با استفاده از آنها می‌تواند به ازای هر واحد سرمایه، تولید بیشتری داشته باشند.

عامل بعدی، هزینه واقعی استفاده از سرمایه است. با افزایش هزینه واقعی استفاده از سرمایه، سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی صورت می‌گیرد که از بازدهی بالاتری برخوردار هستند و در واقع، تخصیص منابع مالی در طرح‌های سرمایه‌گذاری به شکل بهتری صورت می‌گیرد. به علاوه، با افزایش هزینه واقعی استفاده از سرمایه، هزینه فرصت عاقل ماندن تجهیزات و ماشین‌آلات بیشتر شده و کارفرما سعی می‌کند از امکانات سرمایه‌ای به بهترین شکل استفاده نماید.

پنجمین عامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه، میزان استفاده از ظرفیت‌های موجود است. افزایش فاصله تولید بالفعل از تولید بالقوه، بر بهره‌وری سرمایه تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا با ثابت بودن مقدار سرمایه و کاهش تولید، بهره‌وری سرمایه کاهش می‌یابد. عمر ماشین‌آلات، تجهیزات و امکانات سرمایه‌ای نیز بر بهره‌وری سرمایه مؤثر است. اگر نیروی کار به هر دلیلی انگیزه لازم برای استفاده صحیح از امکانات سرمایه‌ای را نداشته باشد، بهره‌وری سرمایه کاهش خواهد یافت، زیرا حداکثر تولید ممکن از امکانات سرمایه‌ای به دست نخواهد آمد.

نرخ بهره‌وری، مهمترین عامل رشد و تولید ثروت در یک اقتصاد است، چرا که این نرخ می‌تواند ارزش واقعی منابع و نهاده‌های بکار رفته در فرآیند تولید را بازتاباند. در واقع، با افزایش بهره‌وری در فرآیند تولید و با استفاده از حجم معینی از نهاده‌های تولید مانند کار و سرمایه، می‌توان به تولید اقتصادی و رفاه اجتماعی بیشتری دست یافت.

بهره‌وری نیروی کار

اولین عامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار، سرمایه سرانه است، زیرا با افزایش سرمایه سرانه، بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد و هر چه تکنیک تولید سرمایه‌برتر باشد و یا سهم کالاهای سرمایه‌بر افزایش یابد، بهره‌وری نیروی کار بالاتر خواهد رفت. دومین عامل، ظرفیت سرمایه انسانی (شامل سطح تحصیلات، مهارت و سلامت) به ازای هر واحد کار است که تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد. سومین عامل، پیشرفت فنی و تکنولوژیکی است. اگر پیشرفت فنی منجر به صرفه‌جویی در استفاده از نیروی کار برای تولید هر واحد محصول گردد، بهره‌وری نیروی کار را افزایش خواهد داد.

عامل بعدی، دستمزدهای واقعی است. معمولاً با افزایش دستمزدهای واقعی، انگیزه نیروی کار برای انجام کار بهتر افزایش می‌یابد و میزان تلاش، جدیت و دقت بیشتر می‌شود. تناسب میان ظرفیت تولید و تعداد نیروی کار نیز بر بهره‌وری نیروی کار مؤثر است. اگر به هر دلیلی تولید بالفعل از سطح تولید بالقوه کمتر باشد، با ظرفیت بیکار مواجه هستیم. در شرایطی که قانون کار اجازه تعدیل نیروی کار را ندهد و یا تعدیل با هزینه‌های زیادی همراه باشد و یا به هر دلیلی کارفرما مایل نباشد نیروهای با تجربه خود را از دست بدهد، با کاهش بهره‌وری نیروی کار روبه‌رو خواهیم شد، زیرا تعداد نیروی کار، متناسب با کاهش سطح تولید، تنزل نیافته است. در چنین شرایطی با نیروی کار متورم مواجه خواهیم شد.

عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل عوامل تولید

رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، برابر با آن بخشی از رشد تولید است که مربوط به رشد کمی نیروی کار و سرمایه نیست. در نتیجه، عواملی که بهبود سطح کیفی نیروی کار و سرمایه، تخصیص بهتر منابع و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود را به همراه دارد، به ارتقای بهره‌وری کل عوامل کمک می‌کند. لذا، ارتقای سرمایه انسانی و استفاده بهینه از آن، افزایش انگیزه نیروی کار در جهت تشویق نوآوری و خلاقیت و افزایش دقت و جدیت افراد، ارتقای دانش فنی از طریق تحقیق و توسعه، کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، استفاده بهینه از انرژی و نهاده‌های واسطه‌ای و بکارگیری روش‌های نوین مدیریتی، از مهمترین عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل عوامل تولید می‌باشند.

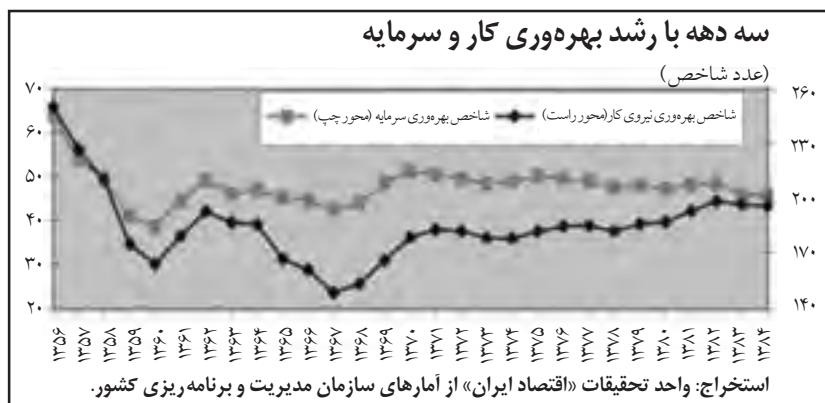
کار و سرمایه در ایران

روند نرخ بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در کشور را می‌توان در چند دوره متمایز سال‌های ۱۳۵۷ تا آغاز دوره سازندگی و پس از آن در خلال برنامه‌های توسعه مورد بررسی قرار داد (در نمودار همراه می‌توان جزئیات دقیق‌تری از نرخ بهره‌وری در این سال‌ها را مشاهده نمود). بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در مقایسه با سال قبل از آن، به ترتیب بالغ بر ۹ و ۱۵ درصد کاهش یافتند که عمدتاً ناشی از تغییر ساختار و نیز وقوع اعتصابات مردمی علیه نظام پهلوی بود و تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت. طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ که دوره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، اکثر زیرساخت‌های اقتصادی، کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی کشور آسیب جدی دیدند. بر همین اساس، بهره‌وری عوامل در طول سال‌های مذکور جز در سال‌های ۶۱ و ۶۲، روند کاهشی نشان می‌دهد.

در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲)، اهداف کیفی همچون تبدیل تدریجی مشاغل کم بازده به مشاغل مولد و افزایش بهره‌وری کار از طریق شیوه‌های مدیریتی و به کارگیری افراد در پست‌های مرتبط و همچنین اهداف کمی مانند افزایش بهره‌وری سرانه کار به میزان ۵/۲ درصد در نظر گرفته شد. به موازات، بهره‌وری نیروی کار در این دوره از رشد ۴/۴۶ درصدی برخوردار شد که به نسبت سال‌های گذشته، بهبودی قابل توجهی پیدا کرده بود.

مهمترین عامل رشد بهره‌وری در این دوره، بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های ساختمان و نفت و گاز به ترتیب با رشد متوسط ۱۱/۹۵ و ۹/۵ درصد بوده است. پس از آن، بخش کشاورزی و آب و برق از رشد سالانه بالای میانگین برخوردار بوده‌اند. در بخش صنعت و معدن نیز بکارگیری ظرفیت‌های بیکار در دوران بازسازی پس از جنگ و تکمیل طرح‌های نیمه تمام منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ شد، حال آن‌که در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ با افزایش ظرفیت‌های بیکار و افزوده شدن واحدهای تولیدی نیمه تمام، بهره‌وری نیروی کار کاهش یافت. در کل، متوسط رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار در این بخش چهار درصد بوده است.

سه دهه با رشد بهره‌وری کار و سرمایه



توسعه، اهداف کمی معینی برای رشد بهره‌وری در نظر گرفته شد و حداقل رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید به ترتیب، ۱، ۲/۵ و ۲/۵ درصد تعیین گردید. در عین حال، رشد بهره‌وری برای تمامی بخش‌ها نیز پیش‌بینی گردید. البته با نگاهی به این پیش‌بینی‌ها، می‌توان دریافت که در سطح کل اقتصاد و در بسیاری از زیربخش‌ها، اهداف تعیین شده بیشتر از عملکرد بهره‌وری در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ می‌باشد. بنابراین، جهت تحقق اهداف تعیین شده برای بهره‌وری کل در برنامه چهارم، لازم است سیاست‌های جدیدی در برخی از بخش‌های اقتصادی به ویژه بخش‌های ساختمان، حمل و نقل، خدمات و کشاورزی اتخاذ شود. لازم به ذکر است در سال اول برنامه چهارم (سال ۱۳۸۴)، شاخص بهره‌وری نیروی کار ۱/۴ درصد نسبت به سال ۸۳ رشد یافت، ولی شاخص بهره‌وری سرمایه ۰/۷۵ درصد کاهش نشان داد. شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید نیز نسبت به سال ۸۳ تنها ۰/۳۳ درصد رشد داشته است. در سال ۱۳۸۵ نیز بنابر پیش‌بینی واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید هر یک ۰/۴۵، ۱/۰ و ۰/۹۷- درصد رشد منفی داشته‌اند. بدین ترتیب و با گذشت دو سال از دوره برنامه چهارم، هنوز راه پرفراز و نشیبی در زمینه بهره‌وری در پیش داریم. ■

صنعت و معدن با رشد ۱۲/۵ درصد در سال رخ داد. دو بخش ارتباطات و آب و برق نیز به ترتیب با ۹/۶ و ۹/۴۳ درصد رشد سالانه در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. بیشترین کاهش بهره‌وری نیز مربوط به بخش‌های ساختمان و حمل و نقل و انبارداری بود که به ترتیب با رشد سالانه ۵/۲۹- و ۴/۱۰- درصد مواجه شدند. به موازات، بهره‌وری سرمایه در سطح کل اقتصاد کشور در دوره مذکور به طور متوسط سالانه ۰/۳۳ درصد رشد داشته است. طی این دوره، بیشترین رشد بهره‌وری سرمایه متعلق به بخش‌های ساختمان و ارتباطات و بیشترین کاهش در بخش‌های کشاورزی و حمل و نقل و انبارداری روی داده است. متوسط رشد سالانه دو بخش اخیر در این دوره به ترتیب ۴/۳۸- و ۵/۵۲- درصد بودند.

چشم‌اندازی برای بهره‌وری

اماد در قانون برنامه چهارم، رشد بهره‌وری مورد توجه جدی قرار گرفت. در ماده ۵ این قانون، تمام دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی مکلف شدند شرایط را برای تحول کشور از یک اقتصاد نهاد محور به یک اقتصاد بهره‌ور محور فراهم سازند، به طوری که سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد GDP به بیش از ۳۱ درصد برسد. برخلاف برنامه‌های دوم و سوم، در برنامه چهارم

در این دوره، متوسط رشد بهره‌وری سرمایه حدود ۳/۰۹ درصد بوده است که بیشترین میزان رشد در بخش‌های ساختمان، ارتباطات و نفت و گاز به ترتیب با رشدی معادل ۱۸/۲۲، ۱۵/۴۹ و ۱۱/۶۸ درصد دیده شده است. بیشترین کاهش بهره‌وری سرمایه نیز در بخش کشاورزی با رشد نامناسب ۹/۳۴- درصد روی داده است. گفتمانی است، بهره‌وری سرمایه در بخش صنعت و معدن همچون بهره‌وری کار در این بخش، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ روند صعودی داشته، هرچند طی سال‌های بعدی برنامه، این روند معکوس شده است.

برنامه دوم

در برنامه دوم (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸)، هدف کمی معینی برای رشد بهره‌وری نیروی کار در نظر گرفته نشد، ولی در بند "ب" تبصره ۳۵ این قانون، اندازه‌گیری شاخص‌های بهره‌وری فعالیت بخش‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین مواردی چون گسترش فرهنگ کار و تولید، تقویت وجدان کاری، تنظیم زمان‌بندی لازم برای طرح‌ها و پروژه‌ها، افزایش کارایی دستگاه‌های اجرایی، کاهش هزینه‌های عمومی، اصلاح سیستم حقوق بر پایه بهره‌وری، ایجاد و تقویت سیستم‌های کنترل کیفیت و استفاده بهینه از انرژی، از سیاست‌های کلی برنامه دوم در زمینه رشد بهره‌وری نیروی کار بوده است.

با این حال، متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد در خلال سال‌های برنامه دوم بسیار کمتر از دوره قبلی و حدود ۰/۵ درصد بود. در این دوره، بخش‌های نفت و گاز و حمل و نقل و انبارداری از کمترین میزان رشد، اما بالاترین سطح بهره‌وری برخوردار بوده‌اند. کمترین سطح بهره‌وری نیروی کار نیز مربوط به بخش ساختمان بوده است. با این حال، بخش ارتباطات با رشدی معادل ۱۱/۷۷ درصد، بیشترین رشد بهره‌وری نیروی کار در این دوره را به خود اختصاص داده است که از دلایل اساسی آن می‌توان به توسعه کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از طریق ارتقای سطح تکنولوژی، دیجیتالی کردن سیستم‌های مخابراتی و توسعه شبکه مخابراتی اشاره کرد.

در نهایت، رشد بهره‌وری سرمایه کل اقتصاد در خلال برنامه دوم با روندی کاهنده به ۰/۵۹- درصد رسید. بخش‌های نفت و گاز و کشاورزی به ترتیب با نرخ رشدی معادل ۷/۶۹- و ۵/۵۱- بیشترین تأثیر را در این رکود ایفا نمودند. در مقابل، بخش‌های ساختمان و آب و برق نیز هر یک با بیش از هشت درصد رشد، از بهترین نرخ افزایش بهره‌وری برخوردار شدند.

برنامه سوم

در برنامه سوم همچون برنامه دوم، هدف کمی معین و مشخصی برای ارتقای بهره‌وری تعیین نشد. در پایان این برنامه یعنی سال ۱۳۸۳، بهره‌وری نیروی کار در سطح کل اقتصاد به ۲۱،۰۵۵/۷ هزار ریال به ازای هر نفر شاغل رسید که به طور متوسط از رشد سالانه ۱/۹۹ درصد برخوردار بود. جالب است که در دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، بیشترین رشد بهره‌وری نیروی کار در بخش

انتقاد رهبری

مقام معظم رهبری پرداختن دولت به نقش حاکمیتی، سیاست‌گذاری و هدایت را از مهمترین اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌دانند.



مقام معظم رهبری در آخرین روز بهمن ماه سال ۸۵ در دیداری با حضور مقامات و مسؤولان سه قوه، از روند کُند اقدامات انجام گرفته برای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ انتقاد کردند. در این دیدار که جمعی از مسؤولان و مدیران سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسؤولان برخی از نهادها و ارگان‌های دولتی و اصناف حضور داشتند، رهبر انقلاب با اشاره به سابقه ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در دو مرحله در اول خرداد ۸۴ و یازدهم تیر ۸۵، اقدامات انجام گرفته برای اجرای این سیاست‌ها را رضایت‌بخش ندانسته و خاطر نشان کردند: این مشکل یا از بی‌توجهی به نقش سیاست‌های اصل ۴۴ در ایجاد تحول عظیم اقتصادی در کشور ناشی شده و یا به دلیل برداشت‌های متفاوت و نرسیدن به یک درک مشترک در بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف به وجود آمده است.

ایشان تغییر برخی ساختارها، قوانین و نقش دستگاه‌ها را لازمه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر شمرده و افزودند: تلاش برای ایجاد این تغییرات، از وظایف حتمی قوای سه‌گانه و همه دستگاه‌های کشور است و تمام فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باید در چارچوب سیاست‌های اصل ۴۴ صورت گیرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین اهداف اصلی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تأکید کردند: آزاد شدن دولت از فعالیت‌های اقتصادی غیرضروری، باز شدن حقیقی راه برای سرمایه‌گذاری در

عرصه اقتصادی کشور، تکیه بر تعاون و گسترش چتر حمایتی شرکت‌های تعاونی بر روی قشرهای ضعیف، پرداختن دولت به نقش حاکمیتی، سیاست‌گذاری و هدایت، مشخص شدن چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از واگذاری بنگاه‌های دولتی و تأکید بر الزامات دولت در امر واگذاری، اصلی‌ترین و مهمترین اهداف سیاست‌های ابلاغی می‌باشد. ایشان تدوین و تصویب قوانین لازم در مجلس، حمایت کامل قضایی از مالکیت‌های قانونی و مشروع و تشکیل دادگاه‌های تخصصی در این زمینه، در نظر گرفتن توأمان بندهای مختلف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به عنوان یک پیکره واحد، اطلاع‌رسانی دقیق و کامل به مردم و فعالان بخش خصوصی و شفاف‌سازی مقررات برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده را از دیگر لوازم اساسی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ خواندند.